



3
순정빌러



سه روز برای دستگیری
وقت مونده...



اشکالی نداره. اگه آروم آروم تو جاهایی
که قبلاً بودن دنبالشون بگردم،



میتونم چفتشونو
به راحتی بگیرم.

ولی یه مشکلی هست...





میخواین باهاتون
خودمونی حرف بزنم؟
ولی من کوچیکترم!

من مشکلی
باهاش ندارم.



ه-هنوزم، فک میکنم
بی ادبی باشه...

عامم... فک میکنی
خیلی زود باشه؟

?



دوریونگا!

@VampireAnimeTeam



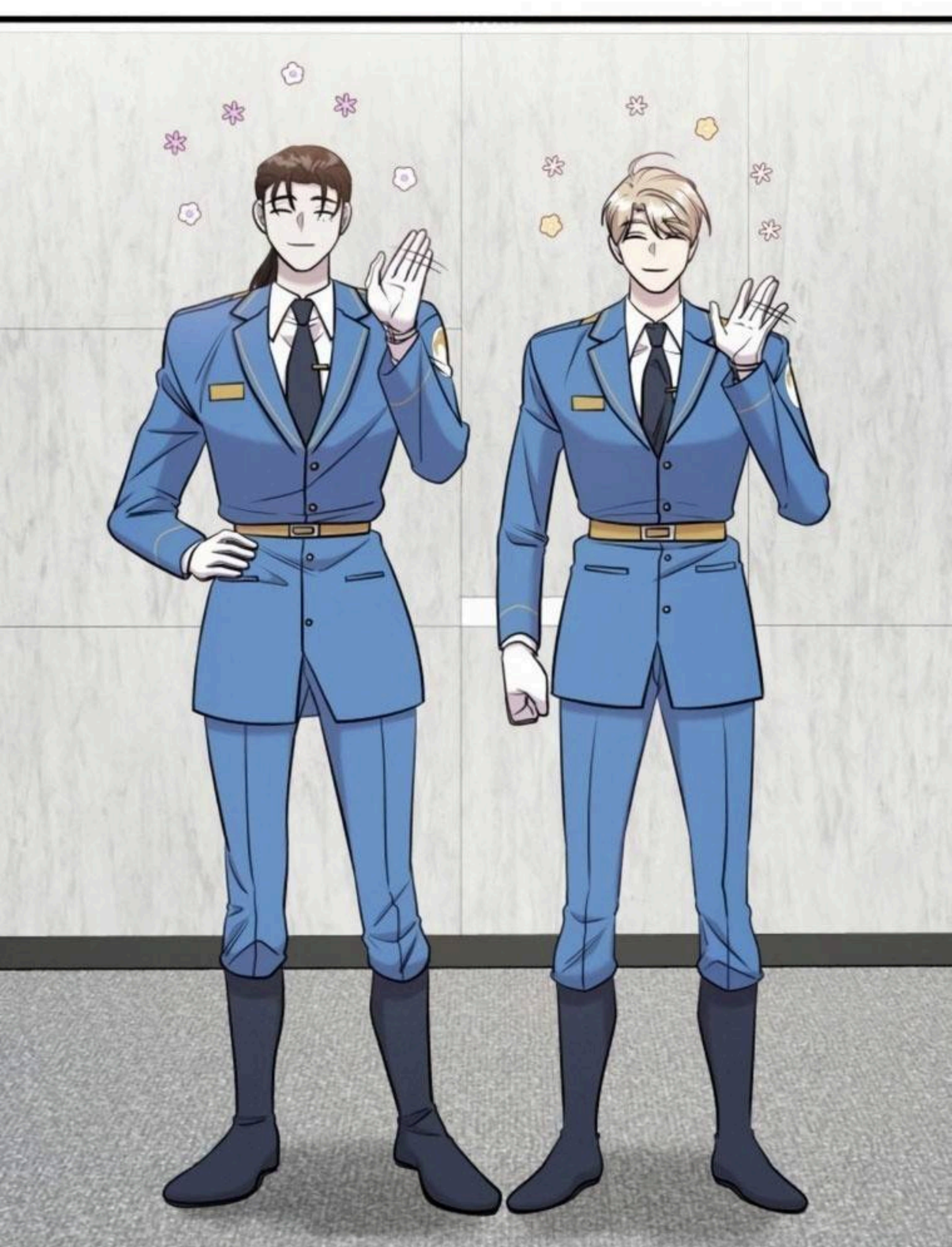
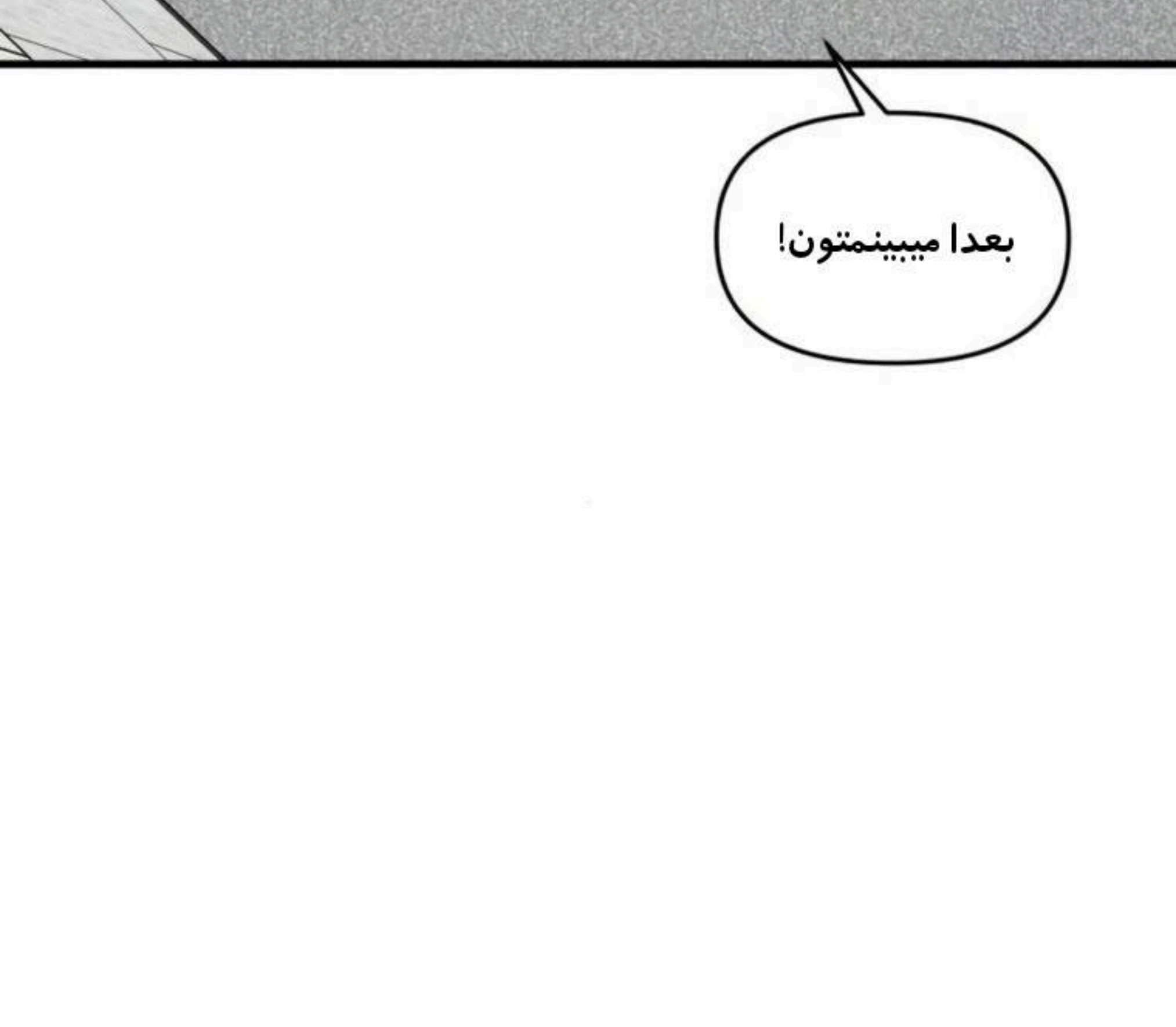
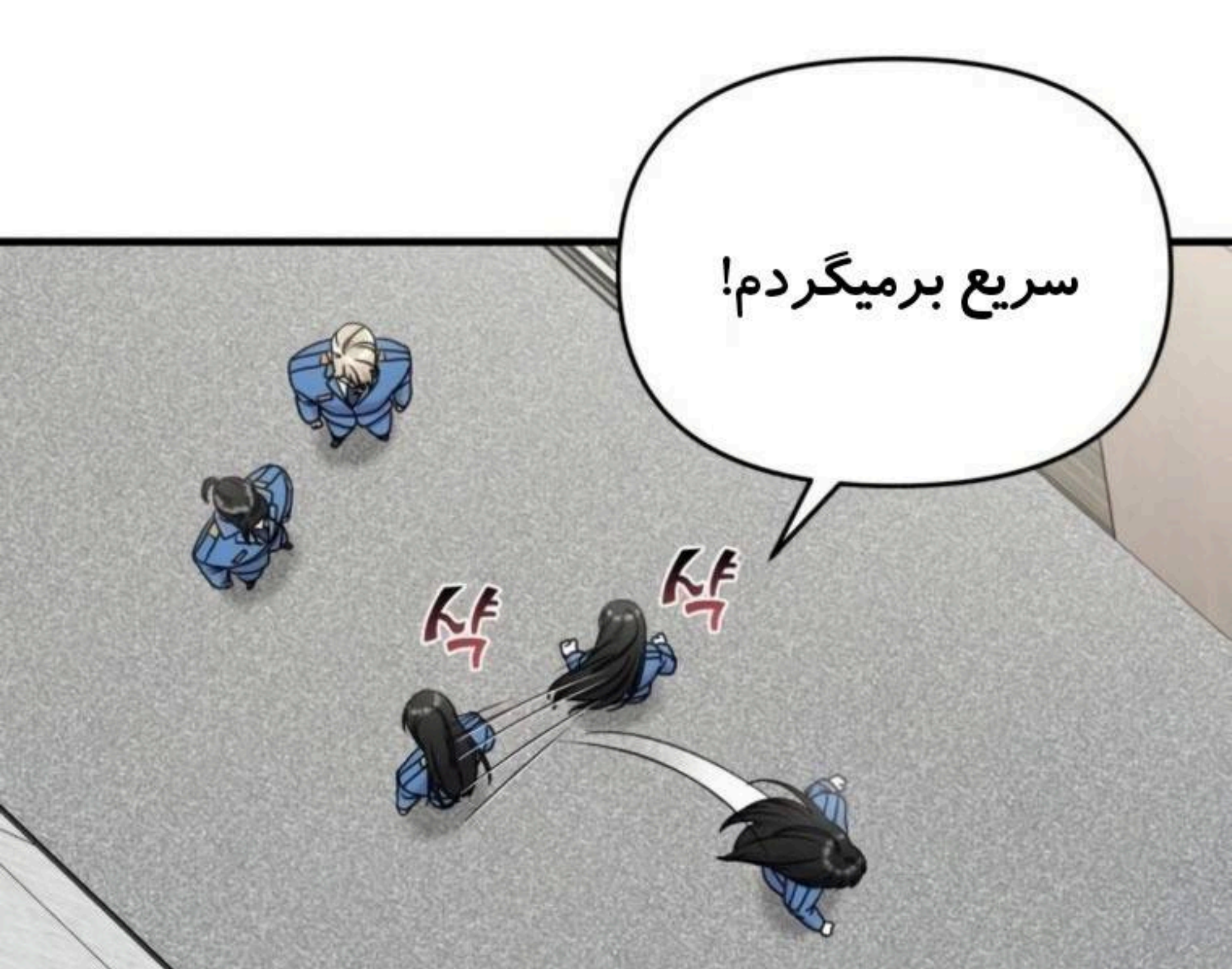
امروزم کارت
حرف نداشت!

...

توهم همینطور.



هاها، شماها باهم
اومدین اینجا.



정적~



اصلا از اینکه تنه بزرگ گی اوک اوردش
اینجا خوشحال نیستم، با اینحال...



من، هان دوریونگ...



چانپدارانه
پر خورد نمیکنم...

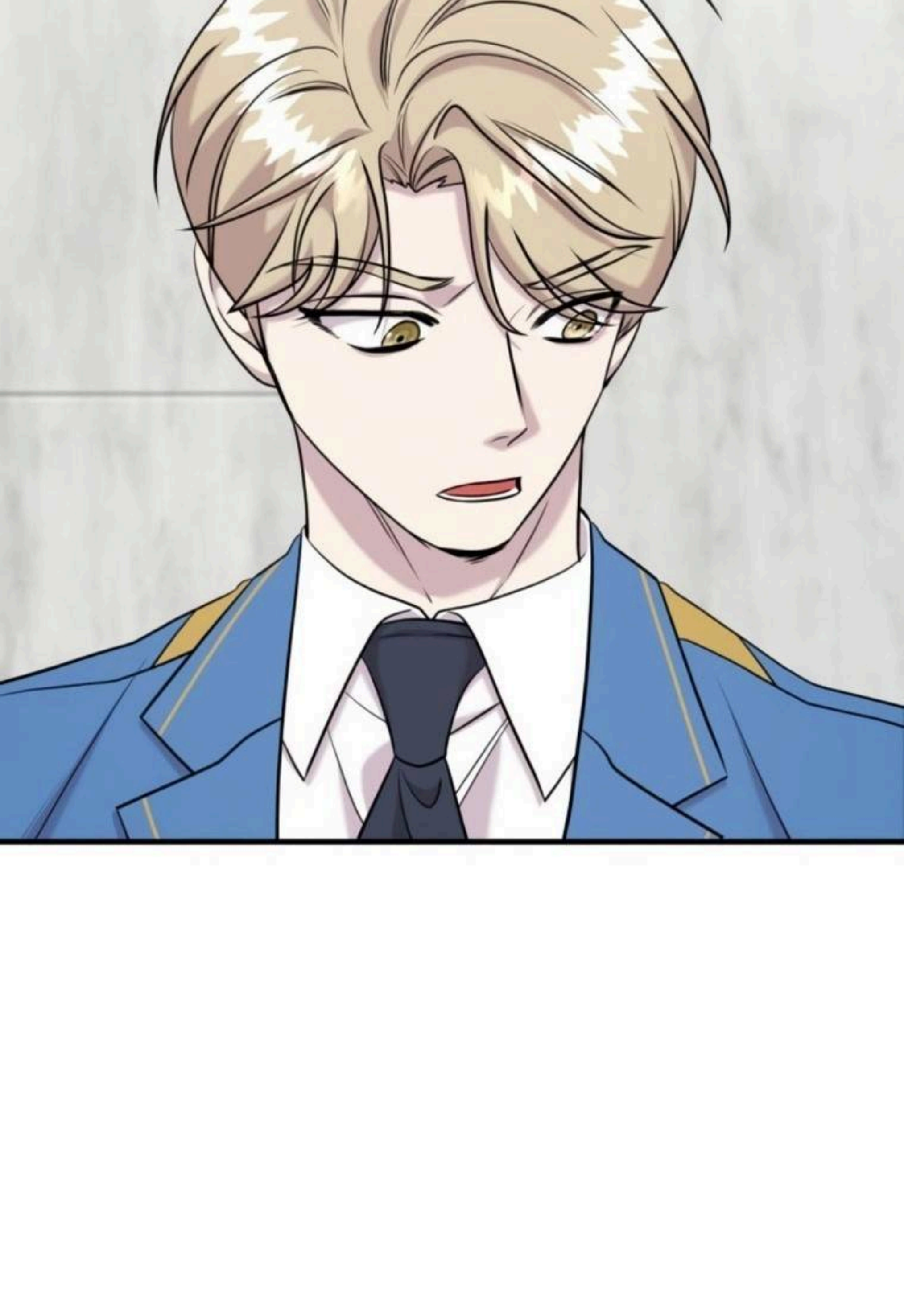
تبعیضم قائل
نمیشم...



هنوز نتونستم بهت
بخاطر ورودت
تبریک بگم.



صدایش...



عالممم...
می دونی چیه،



اون یارو هست،
جونگ جین...



بنظرت عجیب
غریب نیست؟



از چه لحاظ؟

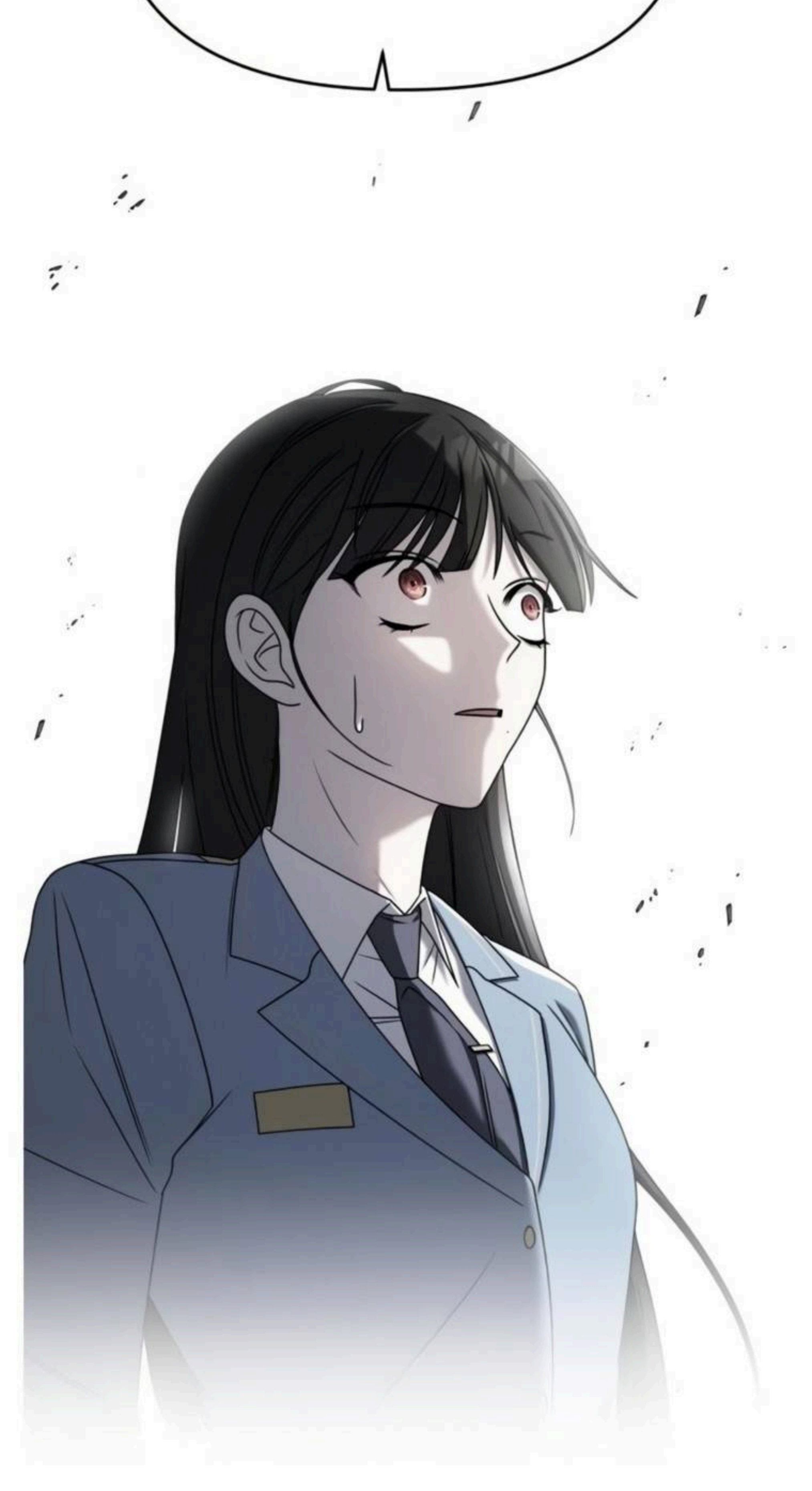


باعث همیشه احساس
ناراحتی کنی؟



عالم، راستش...

اون دوست بچگیمو
یادته که راجبش
باهم حرف زدیم؟



اینکه اسماشون
دقیقا مثل هم بود
شگفت زدم کرد.





تازه قیافشم...
آشنا میزنه برام.
وایسا، اینطوره؟



ولی اون کاملاً به آدم
متفاوته، اینطور نیس؟



심란...



چ چت شد یهو؟

میخواهی به صمیمی بودن
باهاش ادامه بدی؟

چطور؟

فقط بخاطر
اینکه...

اون عوضی خطرناکه

@VampireAnimeTeam

میخواهین باهاتون
خودمونی حرف بزنم؟
ولی من کوچیکترم!

من مشکلی
باهاش ندارم.

تازه صدایم...

چرا داری ادای
سیاه ماسک و-

دوباره.

خیلی شبیه سیاه

ماسک بود.



ولی معز متفکر
موسسه اونو آورده
اینجا. نگو که...

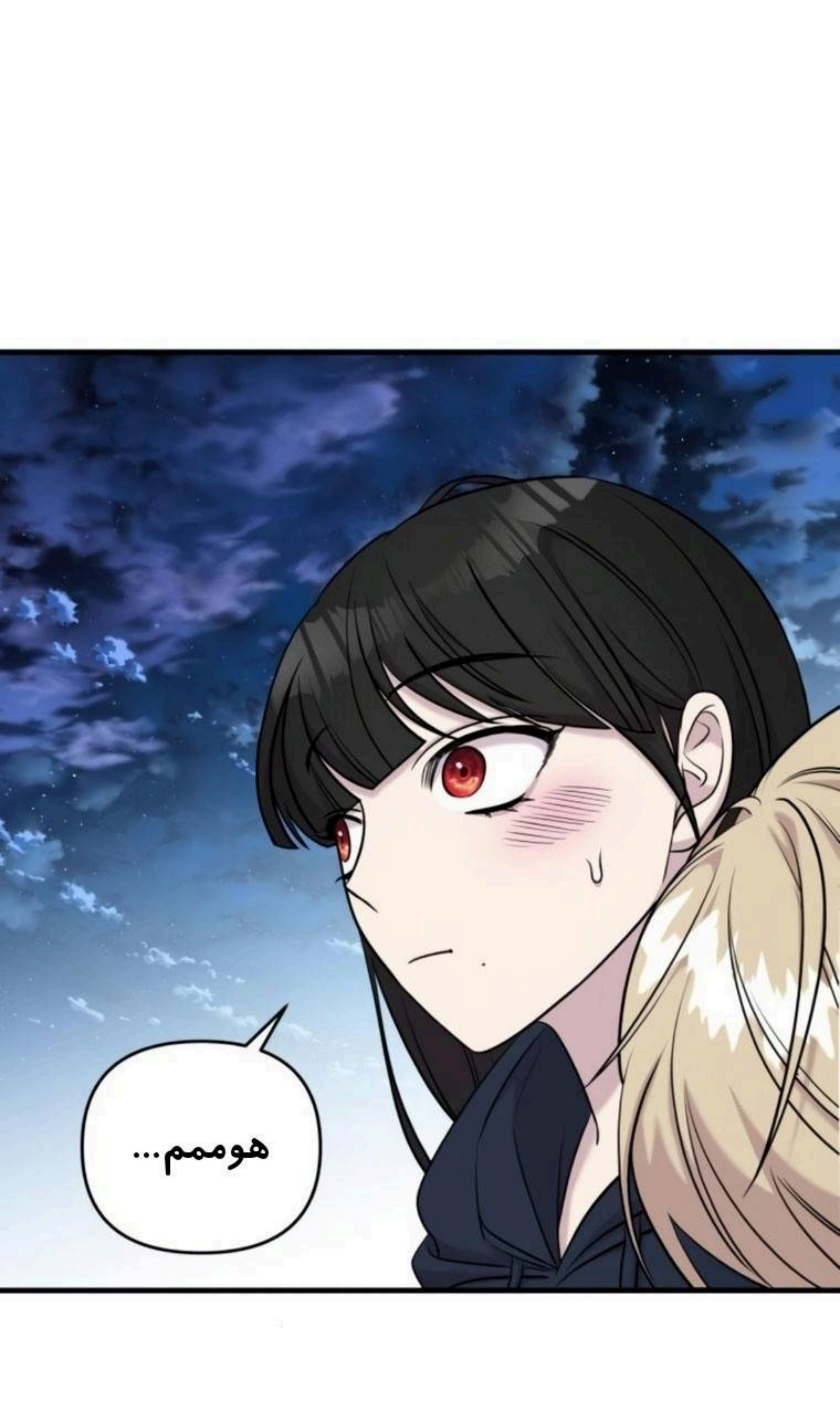


?

نمیدونم،



دلم نمیخواه
نزدیکت بشه.



هوممم...



فک نکنم آدم
بدی باشه ها...

ای بابا~

احساسات قاطی پاتی



!!??

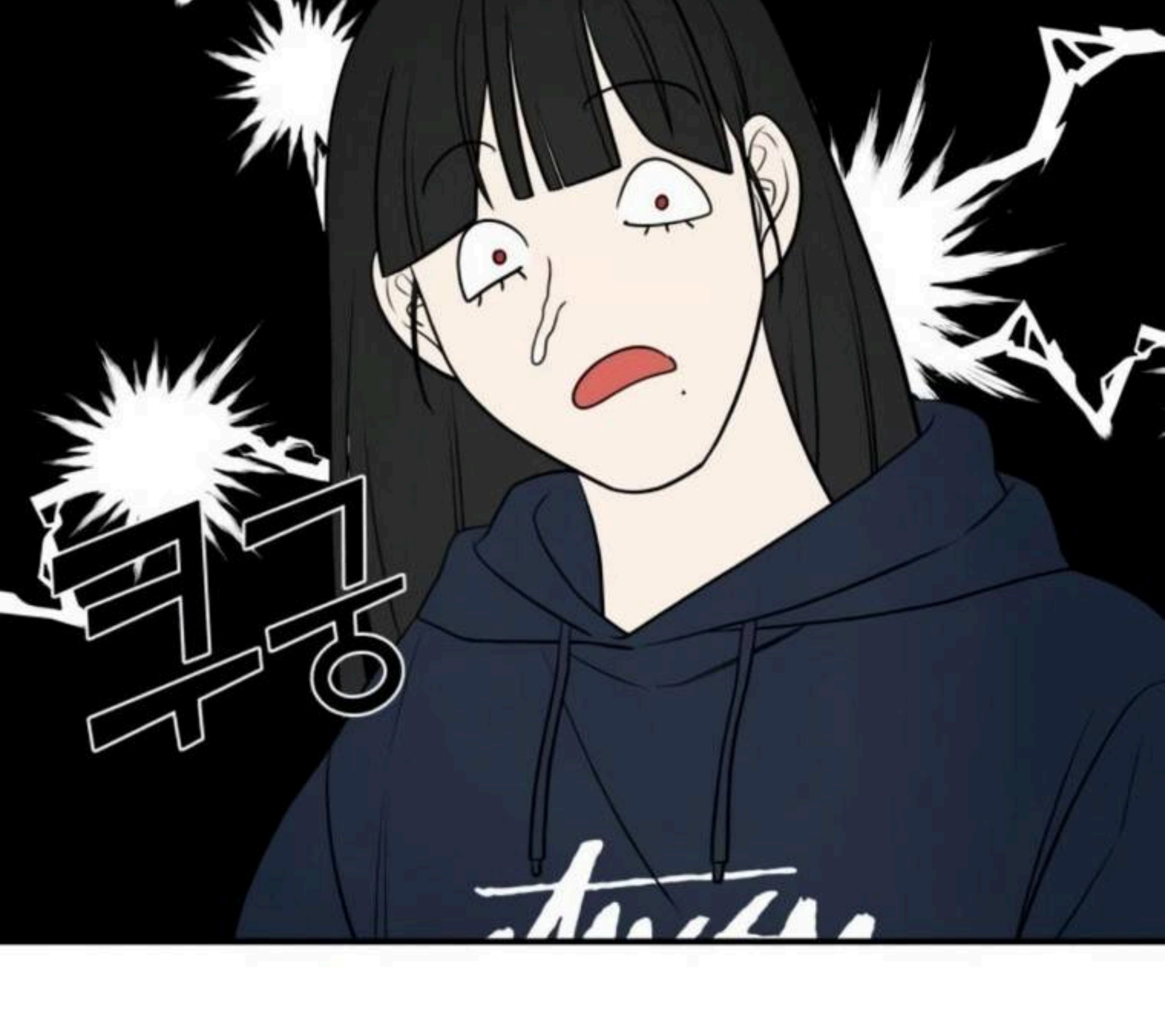
파악



چ-چیشده،
دوریونگ؟!

فقط...

زندگی کردن
سخت شده...



쿠쿠쿠

ن-نه، نگو اینطوری!

مشکل چیه؟

مسئولیت رو دوشات
خیلی سنگینی میکنه!؟

باید آدمای بیشتری
دستگیر کنم؟

کاری هست که
بتونم برات بکنم
دوریونگ؟

**Pure
Billain**
Art • Story: Seyoon







تعداد فالوور ها در حال حاضر : 1 ميليون.



افسر رزا،

저백
저백

وقتی کارت تموم شد
بیا باهم برگردیم.

@VampireAnimeTeam

배
프

عالا...

띠링!

دوریونک

نکن اینکارو.

띠링

نرو.

نباید برجا.

띠링

به هیچ وجه

띠링



عامممم...

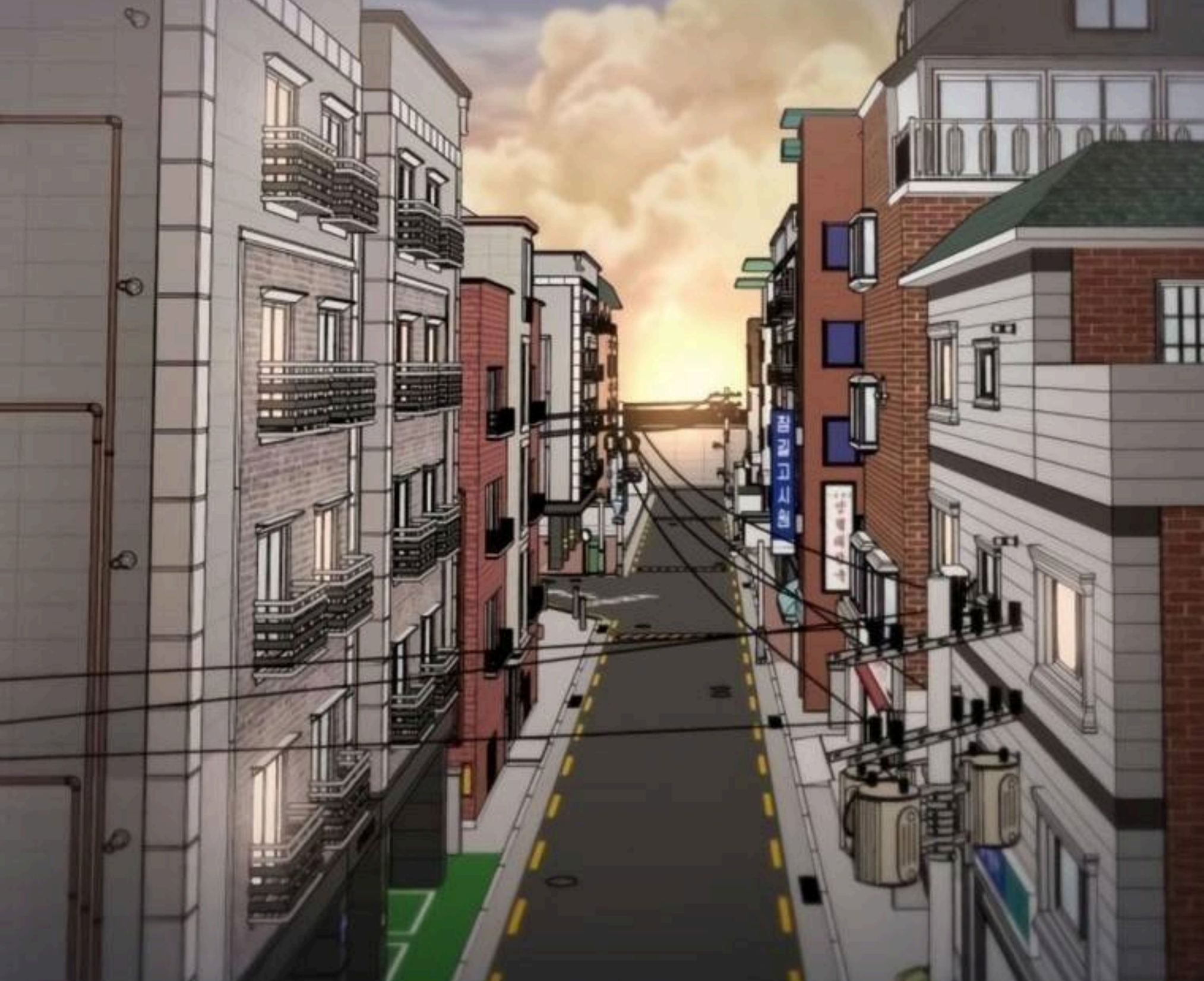
فکر نکنم بتونم.

اینطوره؟

خب همیشه
کاریش کرد.

خیابونا شب
خطرناکه...

?



چرا همیشه منم
با خودت ببری؟

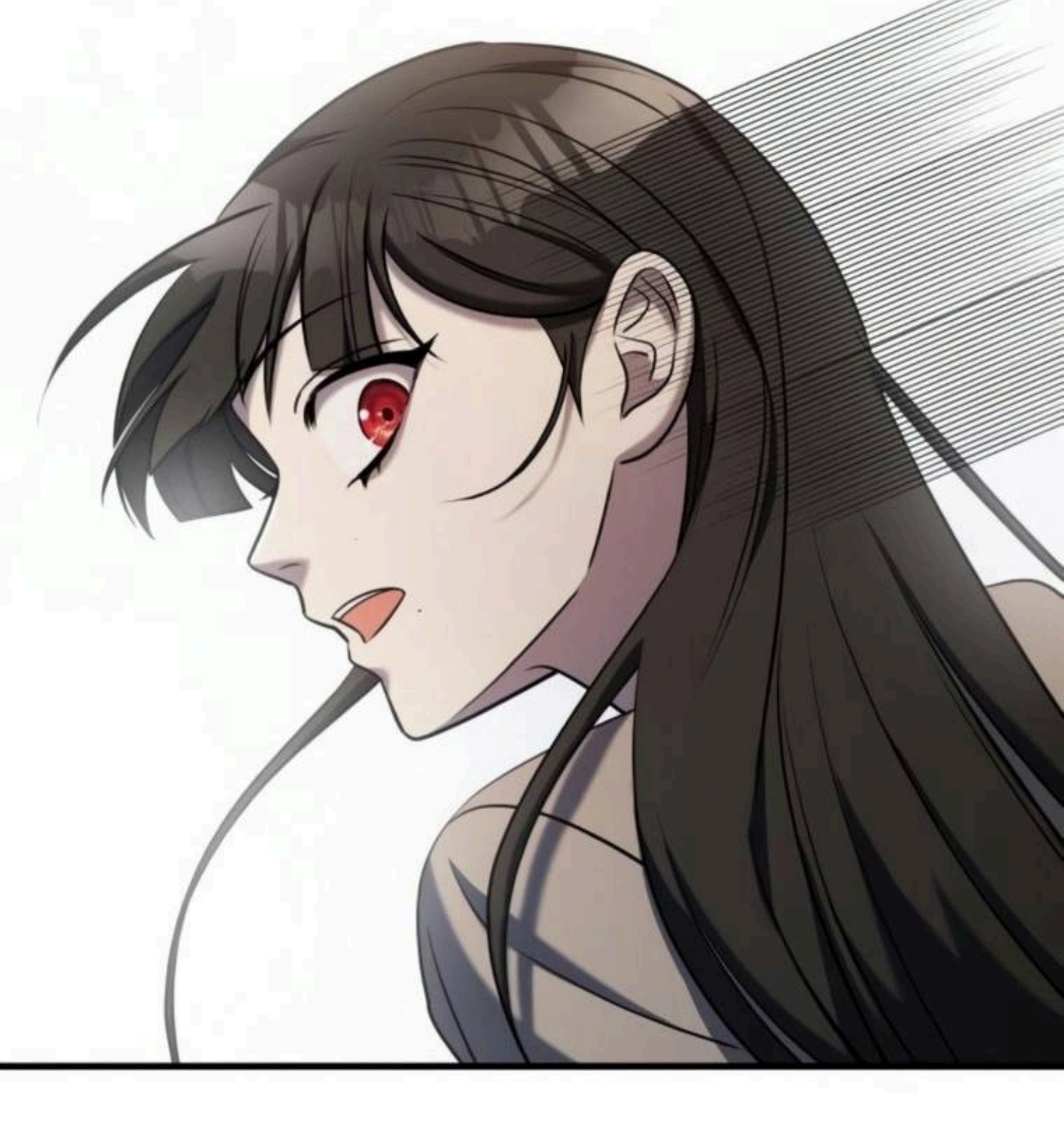
خب... اینجوری
که میگن...

اونا میکشنت...

ولی من میتونم
خودمو درمان کنم.

هنوزم، همیشه...

타
타타타



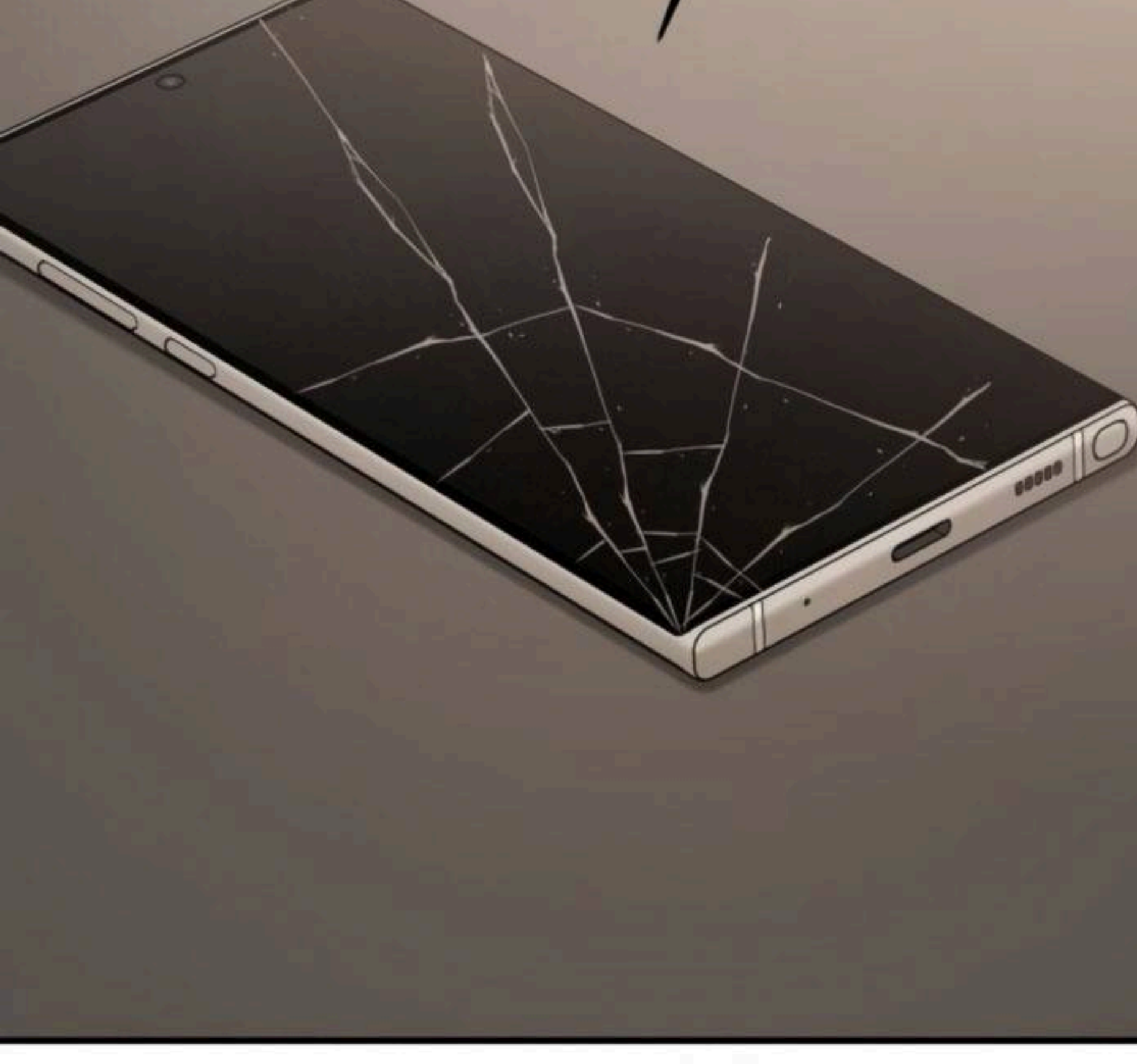


واییییی!!!

رزا، چیشده؟



چه اتفاقی افتاد؟



قرارداد...!



هنوز یعالمه از پول
قرارداد مونده بود
که پرداخت کنم!!!



ن-نه، من...

تلفن رزا به دیار
باقی شتافت.

وقتی اونبوری
میروئیدی منو
ترسوندی!!!

هشدار، قدرت
شناسایی شد.

آههههه در در دره!!!!!!

پھرہ واقعیت ایندے؟



فرمانده از پارک
رزا نا امید شد!!!



(همین الان) مجرم
اسم : جانگ جونگده

!!!



تنگ...!!!

اونم تو کره...!!!



탕!





متصدی: ایم هیون ستوب



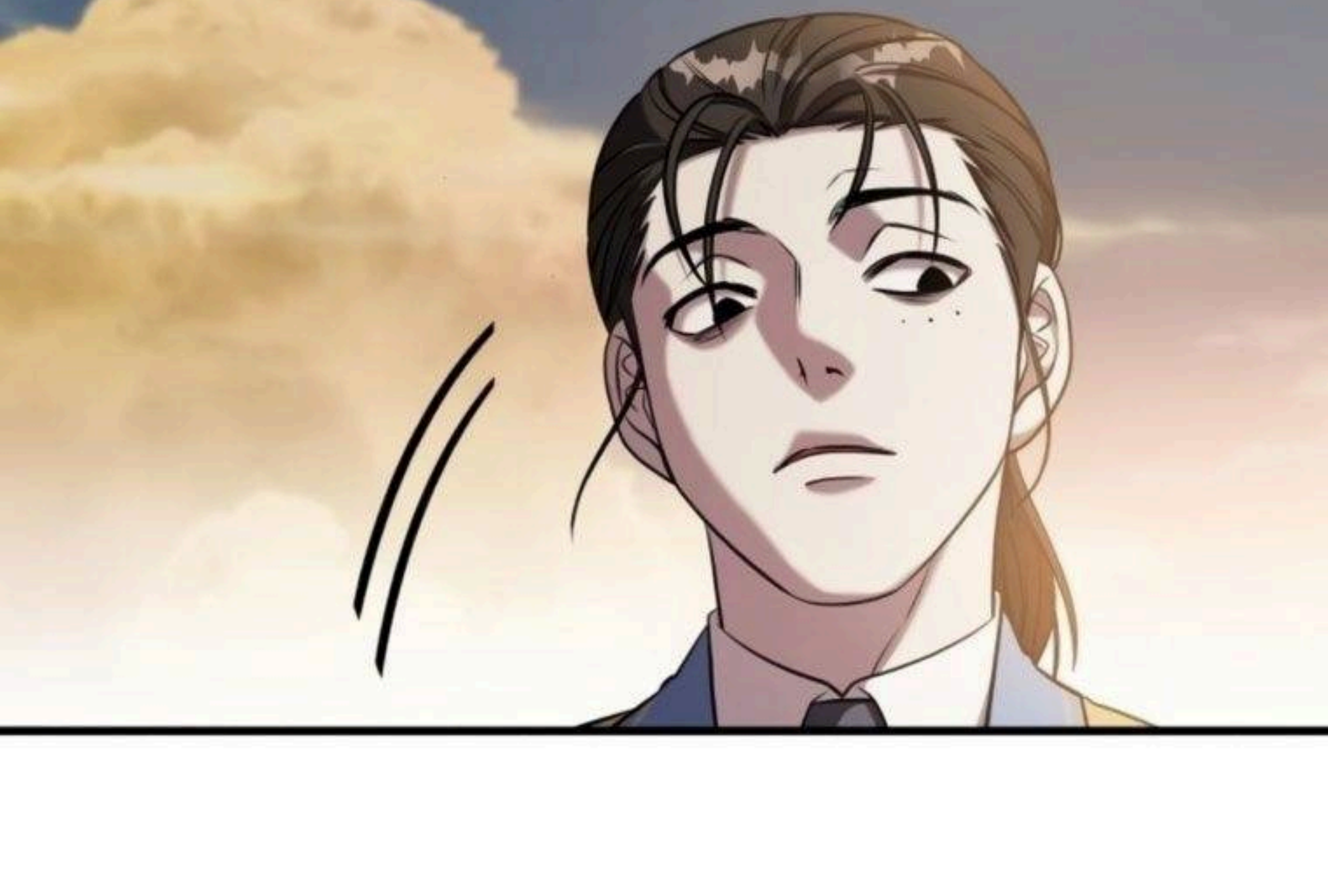
اف-افسر
جونگ جین...؟

خوشبختانه،
اسلحه فیکه...

چه اتفاقی می افتاد
اگه واقعی بود؟



آآآآآآآآآآآآآآآآآآآآ
بازم تو!!!



تو همون عوضی
ای که همش
مزالم پارک رزا
میشه!!! دگه نه؟!



چطور جرئت
میکنی-

تو چطور-



جرئت کردی برارزا
مزاحمت ایجاد کنی؟



فقط کافیہ اسکی بری

کاری میکنہ کہ بہ گروہ نور کان بیوقوفی